

15-01-2012

« گلا دیاتورهای افغان و خواب های گنجاره ای !! ا »

زاوا یای پنهان تاریخ ما و دیالیکتیک بحران در جامعه افغانی !



محمد امین فروتن

ما خود نمی رویم دوان در قفای کس
آن می برد که ما به کمند وی اندریم

قسمت سوم :

چنانچه قبلاً نیز اشارتاً به عرض رسانده ایم که بالاخیره از سوی « امیرالمؤمنین ! » طالبان افغانستان طی انتشاریک طوماری که همانا اعلامیه رسمی و مزئن بر مهرمبارک حضرت امیر المؤمنین بوده باشد انجام مذاکرات سری با ایالات متحده امریکا « کافرو ملعون سابق !! » و برای ادامه چنین مذاکرات تأسیس یک دفتر در بلاد مقدس « قطر » ! مورد تائید قرار گرفت و برای رونق بخشیدن امور اولیه این « لنگرگاه خاص و عام » مخالفین و معاندین سابق یک رقم ناچیزی معادل سه میلیون پول رائج بلاد کفر یعنی همان دالر مبارکه هم که از سوی کفر و استکبار جهانی تخصیص داده شده است از سوی «امارت اسلامی و شخص حضرت امیرالمؤمنین دامت برکاته!» بصورت جزیه !! از کفار و دشمنان اسلام ! پذیرفته شد. !! پیوست با انتشار این خبر از سوی وسائل ارتباط جمعی و مطبوعات بین المللی گزارش داده شد که به تازه گیها دو سه عدد اشرف تازه به دوران رسیده و کمتر مسؤل جامعه ما ! که عادتاً پشه را در هوا نعل می

فرمآند و مو را از ماست می کشند و در مسیر های نسبتاً طولانی معامله گری دست درازی دارند و دهها و بلکه صدها و هزاران پرسش و « کنایه » و علامت « سؤال » درست در مقابل شان قرار می گیرند ، در یکی از پایتخت های مبارکه بلاد فرنگ که « برلین » باشد جمع شدند و با این انگیزه ای تاریخی که پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵، چهار کشور اصلی پیروز جنگ یعنی متفقین شامل آمریکا ، بریتانیا ، فرانسه و شوروی سابق ، کشور اشغال شده آلمان را به چهار بخش که هر کدام تحت کنترل یکی از آنها بود تقسیم کردند و اکنون پس از سه دهه فریاد و خون و آویلا ی « بی عدالتی ! » و حاکمیت چندین صد ساله تک تباری و « قبیله ! » در افغانستان چنین زمینه فراهم آمده است که افغانستان نیز با ید مانند کشور « آلمان » تجزیه و بر شمال و جنوب تقسیم شود !!.

این برادران عزیز ما که در دسته بندی ها و بُردن ها و وصل شدن ها ید طولانی دارند وقتی پای « زر و زور » در میان باشد هر صبحی و هر شامی ساز علیحده ای را می نوازند ! در سال های ماضی نیز که سنت بر این جاری بود تا نزدیک به اکثریت روشنفکران و نیمچه کتابخوانها ی جامعه ما سیاست « نه سیخ بسوزد نه کباب !! » را در تمامی عرصه های زندگی با پیروی از همین سیاست دوپهلوی « یکی بر نعل و یکی بر میخ » می زدند ،

البته یکی از ابزارهای قدیمه حریفان اصلی این جماعت نیز که در طول تاریخ آنرا مورد استفاده قرار داده اند ، همین براه انداختن هیاهوی فرمائیشی در برابر این برادران و دیگر پهلوانان پنبه ای جامعه بوده است که وقتی آنها پای شان از مسکن اصلی به خارج می گذارند ، تبلیغات و پس پُسک های آنان گوش فلک را گر می سازند و گاهی هم کار به شعار دادن های فرمائیشی و زنده باد و مرده باد می کشد . سخت جالب و شگفت انگیز است که در واری این هیاهو های زرگری مخالفان و معاندان مصنوعی و عوام الناس جامعه ما نیز به استعمال یکی از ابزارهای قدیم که در طول تاریخ جامعه ما کاربرد های مختلفی داشته است متوصل می شوند و بدون هیچ تحقیقی و شناختی از ایسم های گوناگون برخی از مفاهیم معنی داری سیاسی و اجتماعی مانند « فدرالیسم » ، « لیبرالیسم » و حتی « سیکولاریزم » را از تاریخ اقوام و جوامع دیگر بشری به وام میگرفته و بصورت مسخره آمیز با افراد و شخصیت های مورد نظرشان گره میزنند؛ طبیعی است که در چنین فضای آکنده و با چنین ویژگی ها گاه به تنهایی و گاه به طور مجموعی و بویژه در رابطه با شرائط و اوضاع خاص و گاه حتی برخی مشخصات تاریخی جامعه افغانی از قبیل نابرابری اقتصادی ، اجتماعی و حتی فرهنگی میان کتله های وسیعی از مردم ناتوان ساخته شده افغانستان محرک نیرومند مانند انگیزه های « مذهبی و اعتقادی !! » حتی به سردادن شعارهای مصنوعی و سرودن

سرود های شبه آزادی خواهی تا سرحد « اعلام جهاد با کفر جهانی !! » تلقی میشود . باید با احترام به همه عزیزان و مجاهدان گمنام و بی هویت این معرکه به عرض برسانیم که وقتی بنای اعتقادی یک جامعه که همانا « استراتژی و هدف مهم » حرکت همه این عزیزان اعم از چپ و یاهم راست ، مذهبی و سیکولار، بر مبنای « تقسیم ثروت » و « رفاه طلبی » و مسابقه در اینگونه « ارزشهای مادی » قرار گرفته باشد طبیعی است که نظام سرمایه داری غارتگر بین المللی نه از دروازه بلکه از راه پنجره باز خواهد گشت . واضح است آنچه را که تاهنوز در این قبیل موارد دیده ایم بیشتر دیکتاتوری فقراً بر فقراً بوده است ... آنچه که مهم است و به عنوان یک دانشجوی اقتصاد و جامعه شناسی دینی مبهم ترین، تعریف ناشده ترین و ناشناخته ترین مفهوم را در واژه « فدرالیسم » یافته ام - چه در نزد موافقان و خواستاران اش و چه در نزد مخالفان سر سخت آن. و در این زمینه اشاره به همین یک نکته بس که - در میان هر دو طیف وسیعی از این گروه های سیاسی جامعه ما بر سر معنای اصلی آن توافق کلی ایجاد نه شده است . بنأ میتوان قضاوت کرد که در کشور ما افغانستان و دیگر جوامع عقب مانده شرقی اکثر ایدیولوژی ها و تیوری ها به تناسب و اقتضای منافع خاص گروهی و قومی و در بسیاری موارد فردی انسان ها مانند غله و سائر مواد خوراکه و اجناس ضروری مردم یک کشور از بیرون قلمرو جامعه وارد می گردند . بنابراین تمامی و یاهم نزدیک به اکثریتی از روشنفکران آسیائی منجمله روشنفکران افغان حاملان نسخه های بدل ایدیولوژی ها و مکاتب فکری حتی مذاهب و ادیان هستند . روی همین دلیل از شناخت خود به عنوان انسان های که در یک قلمرو معین جغرافیای زندگی را سپری کرده باشیم و از چگونگی تلخی ها و شیرینی های زندگی آموخته باشیم عاجزیم ، مگر اینکه به نسخه های اصلی و زمینه های عملی آنها مراجعه و توجه داشته باشیم . و ببینیم که در کدامین شرائط اجتماعی و اقتصادی بویژه خصوصیات طبقاتی و فکری و اعتقادی جامعه ما و یاهم سائر جوامع بشری باید این اندیشه ها و ایدیولوژی ها را غرس کرد ؟ و یاهم به قول علمای منطق دریابیم که « شأن نزول » آن چی بوده است ؟

البته باید گفت که بسیاری از مسائلی که همین اکنون در قرن بیست و یکم و یا هم در گذشته میان ملل مختلف جهان مطرح بوده است بسیار مبهم و حتی گاهی غلط است که مسأله « فدرالیسم » و یاهم بسیاری از مفاهیم اجتماعی و اقتصادی نیز با همین ویژه گی ها و در اکثریتی از جهان معاصر که ما در آن زندگی میکنیم مطرح گردیده اند . شاید برای خواننده گان ارجمند جالب و سخت شگفت انگیز باشد ، چنانچه دانشمندان معاصر باور دارند و به این نتیجه رسیده اند که تسخیر ذهن ملت ها در گذشته فقط نبوغ عده ای خاصی از تسخیر کننده گان محسوب می گردید اما امروز برخلاف گذشته درد ناک « علم و آگاهی » نیز به کمک شان آمده است و وقتی بخواهند یک

ملت جهان سومی منجمله افغانستان را از «هویت» و «توان مندی» نه گفتن «محروم سازد و در یک خواب مصنوعی به غارت ببرند؛ همه وسائل ارتباط جمعی، رادیو، تلویزیون های بیست و چهار ساعته با تدویر میزهای مدوری از شبه تحلیل گران و جامعه شناسان حرفوی برخی از واقعیت های دردناک در جامعه را که بصورت مصنوعی و با مقتضای فن غارتگری باید به خورد جامعه بخواب رفته داده شود مانند یک دوی آرام بخش و یاهم دارای اضرار تجزیه و تحلیل می گردد.

و کاملاً طبیعی است که ملت های عقب نگاهداشته شده به شمول شبه روشنفکران جامعه افغانی نتوانند آنرا تشخیص دهند. که به قول سعدی بزرگ:

ما خود نمی رویم دوان در قفای کس

آن می برد که ما به کمند وی اندریم

اینجاست که برای اغفال ذهن ملتها تیوری سازان نظام سرمایه داری و پادو های داخلی شان ملت ها را همیشه به زشتی ها فرا نه می خوانند که نفرت از زشتی ها ملتها را فرار دهند و متوجه نقاطی بکنند که مطلوب پادوهای نظام سرمایه داری است، بلکه با تشخیص نوعی از «ذائقه» هرجماعتی، و تشخیص گروه خونی هر دسته ای که در روشنی کاذب چراغ های امتیازات مادی شعارهای مفتکی سر میدهند، جامعه را گاهی به «حقائق مسلم مگر فرمائیشی» نیز دعوت میکنند،

و برای کشتن یک حق بزرگ و از اینکه شهروندان یک جامعه متوجه آن «حق بزرگ و اولیه» در جامعه نه شوند، سرگرم یک «حقیقت دیگری» می سازند، هر چند شیوه حقیقی باشد اما با انگیزه نادرست و کاذب کشتن یک حق بزرگ بدست یک حق قابل بحث در جامعه افغانستان عملی است زشت و نفرت انگیز؛

وقتی خانه ات را حریق گرفته است و در شغله های از آتش میسوزد دعوت به نماز و دعا به پروردگار هم نوعی از دعوت های مطلوب دلالان فریبکار بویژه خیانتکاران نظام سرمایه سالاری فاسد تلقی باید گردد. زیرا هرگونه توجه دادن به هر چیزی در آنجا و آن زمان، مقدس و غیر مقدس به جز توجه کردن به خاموش ساختن آتش توجهی است استثمارگرانه، و بدون تردید اگر کسی و یا کسانی حقیقی و حقوقی به آن توجه کرد در خط استعمار و استثمار قرار گرفته اند....

یار زنده صحبت باقی

۱ : گلابیاتورها دسته های از جنگجویان حرفه‌ای در روم باستان بودند که با یکدیگر و با حیوانات درنده جنگیده و دست و پنجه نرم می‌کردند تا موجبات تفریح تماشاگران را فراهم آورند. در خبر آمده است که اخیراً برخی از محافل و دسته های واقعا " سیا " سی و گلابیاتوری افغانستان به دعوت برخی از سناتوران ایالات متحده امریکا منجمله آقای دانا روهر باکر از اعضای ارشد کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان این کشور به همراه لو گهمرت، استیو کینگ و لوریتا سانچز دیگر اعضای کنگره امریکا شرکت داشته‌اند.